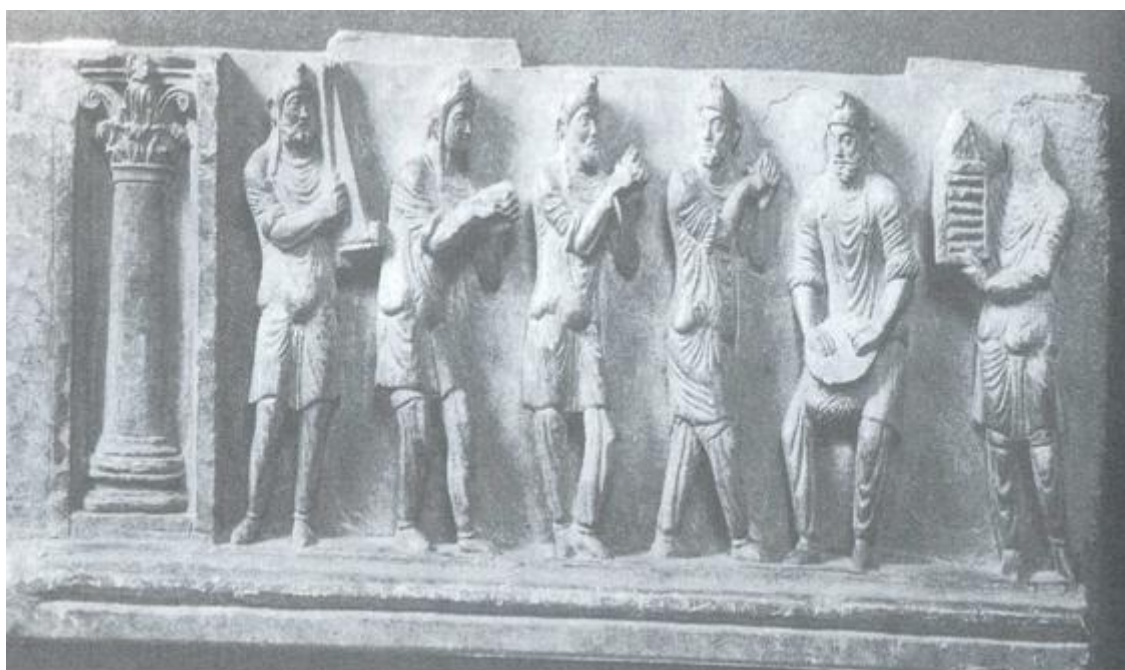


سیری در باب موسیقی دوره ساسانی

فاطمه سماواتی یار

خنیاگری. (بهرادی، 1382، 451).

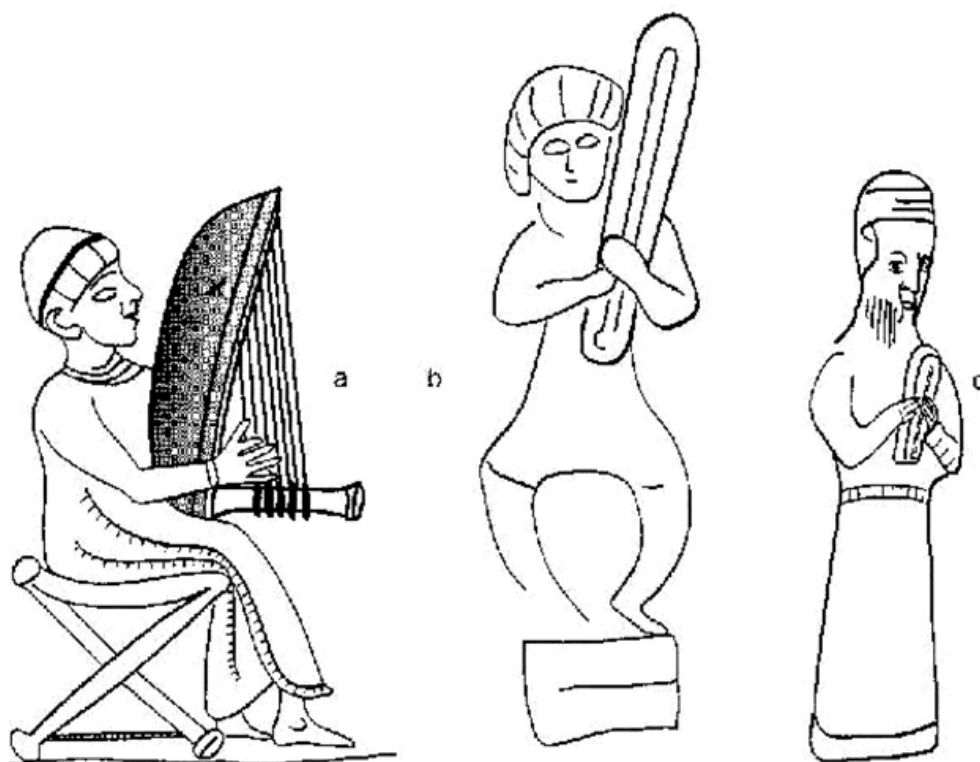


واژه موسیقی، یا موزیک که گاه در ادبیات فارسی از آن به موسیقار نیز یاد شده است یک واژه یونانی است. گفته شده است موزیک از muse می آید و آن نام هر یک از نه فرشته ای بوده است که به همراه آپولون (خدای موسیقی و هنرهای زیبا) در کوه پارتاس (واقع در یونان) به سر می بردند و هر یک در فنی از آواز و موسیقی

مهارت داشتند. موسیقی هر ملتی نشانگر احساس عواطف آن ملت است و موسیقی سنتی ایران نیز آینه ای تمام نما از ویژگی های اخلاقی و روانی یک ایرانی است .

ویژگی خاص هنر ایران چیست؟ در این زمینه می توان گفت در درجه اول با زندگی پیوند نزدیک دارد و تار و پود آن از تجربیات بشری ایجاد گردیده است. آنچه را خوار است، می آراید و زیور می بخشد و مقام شاهی و خدایی را می ستاید. در همه دوران باستان هنر ایران نیروهای آسمانی را می جوید و می کوشد تا با وسایلی که دارد با این نیرو ارتباط یابد، از او یاری بخواهد، قهر و خشم او را فرو بنشانند و او را مدح و ستایش کند. از قدیم ترین زمان، ایرانیان برای زیبایی مقامی بلند قایل بوده اند. در طی قرن ها همیشه ذوق و فهمی عام و استادانه مایه ترقی هنر بوده است. حمایت شاهان نیز که نسبت به هنر دلبسته و بخشنده بوده اند، پیوسته وجود داشته و زیبایی همیشه و در هر امری به مقام عالی می رسیده است.

مهدی برکشلی موسیقی شناس برجسته معاصر در بیان نقطه نظرات فارابی در خصوص (افسام موسیقی و تأثیر آن ها) در کتاب موسیقی فارابی می نویسد: (موسیقی بر سه نوع می باشد اول نشاط انگیز (ملذ)، دوم موسیقی احساس انگیز (انفعالی) و سوم موسیقی خیال انگیز (مخیل). موسیقی طبیعی نزد انسان آن است که دراصل یکی از این سه تأثیر را ایجاد کند، چه برای تمام مردم و همیشه اوقات و چه برای اکثر مردم و اغلب اوقات. موسیقی کامل تر، عالی تر و مؤثرتر همانا موسیقی است که دارای ویژگی های هر سه نوع باشد و با گفتار توأم شود و این خاص موسیقی آوازی انسان است).

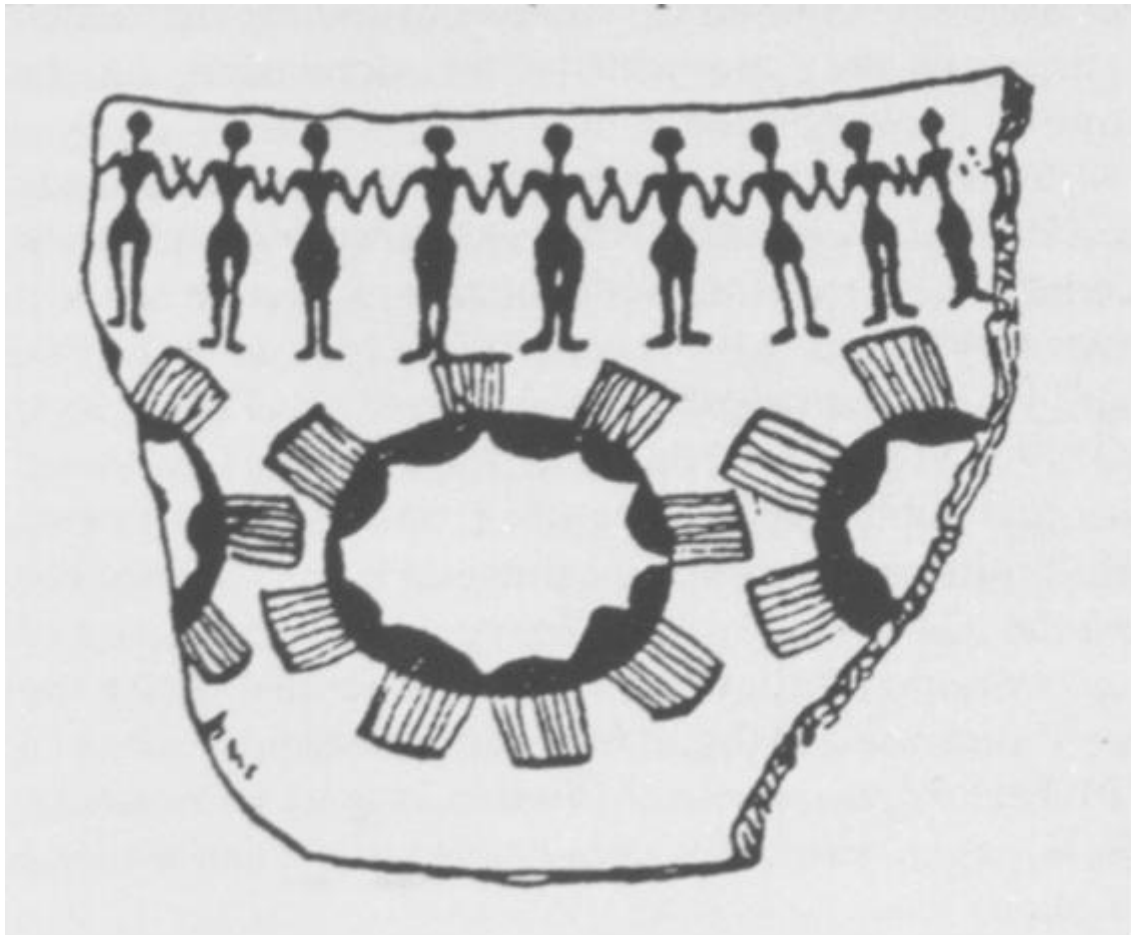


نخستین شناسایی ما از موسیقی ایران قدیم به هزار و چهار صد سال پیش یعنی دوره ساسانیان می‌رسد. می‌توان موسیقی این دوره را ریشه موسیقی ایران دوره اسلامی و همچنین ریشه موسیقی ممالک اسلامی دانست. به دلیل تجمل سلطنت سلسله ساسانی موسیقی در آن دوره احترام و اعتباری خاص داشته است. تاریخ نویسان گویند که لشگریان ایران همواره با نواهای شورانگیز مارش می‌کرده‌اند. ساسانیان سازهایی داشته‌اند که به بعضی از نواحی ایران اختصاص داشته چون چنگ هفت سیم مخصوص به سغد که به خصوص به چنگ سغدی معروف بوده است به طوری که از اواسط قرن پنجم هجری هم متداول بوده است. ولی در ری و طبرستان و دیلمستان رباب بیشتر رواج داشته است و نیز رود اقسام مختلف داشته است.

هنر ساسانی عمدتاً متحول شده در راستای اندیشه‌های دینی و سنت‌گرایی ایرانی است. در مجموع می‌توان گفت که تأثیرات هنر غربی در اندیشه هنری ساسانیان بیشتر در عرصه هنر معماری و آن دسته از آثار هنری زمینه دار و طبیعت‌گرا و نیز در آثار هنری معمول و روزمره که جامعه ایران ساسانی به طور طبیعی و به گونه تکراری با آن سروکار داشته‌اند، کاربرد داشته است. ملت ایران از قدیم‌ترین‌ها با موسیقی آشنا بوده و داشته و بسیاری از ادوات نوازندگی را از اختراعات ایرانیان ثبت کرده‌اند. اختراع ساز نیز خود تحت شرایطی ایجاد شده است. به طور مثال وزش باد در چوب، به انسان تعلیم داد که اگر قطعه چوبی را سوراخ کند و با نفس در آن بدمد، از آن صدایی شنیده خواهد شد و رفته رفته سازی شبیه به نی، قدیمی‌ترین آلت موسیقی بشر ساخته

شد. همچنین وزش باد در تار عنکبوت انسان را راهنمایی کرد که اگر ریسمانی را از دو طرف محکم ببندد و آن را به حرکت درآورد، صدایی از آن شنیده می شود و شاید این اولین قدمی بوده است که در ساختن ساز زهی برداشته شده. عبدالقادر مراغه ای می گوید: (فیثاغورث با صدای چکش آهنگران سازی ساخت و الحان موسیقی را به عدد افلاک ترتیب داد).

ایرانی‌ها در ساختن پرده‌ها و قطعات و آهنگ‌های موسیقی یکی از ملل انگشت شمارند و می توان گفت نخستین ملتی هستند که برای ثبت آهنگ‌ها به اختراع خط مخصوص توفیق یافته‌اند. به اعتقاد حکما و موسیقی دانان قدیم ایران حتی بین سیم های ساز و طبیعت آدمی و مزاج های او نیز ارتباطی وجود دارد. موسیقی در ایران با آمدن بهار و به وجود آمدن نغمات بهاری شکل می گیرد. آمدن بهار که در نزد انسان کشاورز مهمترین تحول سال است، موجد مراسم، افسانه ها و ترانه هایی فراوان شده است. تبدیل انسان به گل و گیاه در فولکلور بسیاری از اقوام کهن از جمله ایرانیان آمده است. در این باره فردوسی می گوید چون (سیاوش) را به دستور افراسیاب تورانی سربریدند، از خون او گل (خون سیاوش) روییده است. بارید موسیقی دان و نوازنده مشهور دوره ساسانیان تحت تأثیر این اسطوره، لحنی زیبا ساخته که به نام (باغ سیاوشان) جزو الحان سی گانه او به شمار می آید. در موسیقی قدیم و کنونی ایران نیز تحت عنوان (بهار) نغماتی با عناوین: بهار، نوبهاری، بهار بشکنه، سبزه بهار، باد بهار و غیره وجود دارد که نشانگر اهمیت این فصل برای مردم کشورمان است. جایگاه طبیعت و میراث طبیعی در موسیقی ایرانی به قدری گسترده است که این رابطه را علاوه بر فصل ها و ماه های سال، حتی بین روزها و زمان های مختلف شبانه روز نیز می توان مشاهده کرد. موسیقی ایرانی به قدری با طبیعت و میراث طبیعی عجین شده است که در آن حتی ردپای حیوانات و صدای آن ها را نیز به وفور می توان شنید. به طور مثال: تقلید از چهچه بلبل در موسیقی آوازی ایران، صدای سم اسبان و شیهه این حیوان در موسیقی ترکمنی برگرفته از این شیوه است. برخی از حکمای قدیم حتی برای هر یک از چهل و هشت گوشه موسیقی قدیم ایران نیز حیوانی ذکر کرده اند که موسیقی آن گوشه، از صدای او گرفته شده است.



بی شک ایرانیان غم‌ها و شادی‌ها، پیروزی‌ها و ناکامی‌ها، دلخوشی‌ها و به طور کلی مظاهر زندگی خود را در نواهای متنوع و زیبایی که از خود به یادگار گذاشته‌اند، متبلور کرده‌اند. نخستین شناسایی ما از موسیقی قدیم ایران به هزار و چهار صد سال پیش یعنی دوره ساسانیان می‌رسد. اما موسیقی ایرانی، شاید از هزار سال پیش نت نویسی داشته است. در دوره ساسانی در ایران صوری از موسیقی بسیار غنی رواج داشته است. غنی از حیث تعداد مقامات و تنوع سازها و اختلاف ضرب‌ها و شاید غنی از حیث هارمونی. در آیین مزدک که در زمان قباد ساسانی (488-496م) ظهور کرده است موسیقی به عنوان یکی از نیروهای معنوی چهارگانه شعور، عقل، حافظه و شادی برابر خداوند جلوه‌گر می‌شود. این چهار نیرو به دستگیری شش وزیر، امور عالم را اداره می‌کنند و وزیران میان دوازده روح در حرکتند که یکی از آن‌ها خواننده و سراینده موسیقی است. احراز این مقام در تشکیلات آسمانی آیین مزدک نشانه آن است که موسیقی در زندگی روزانه مردم آن روز جزء احتیاجات روحی به شمار می‌رفته و قرب فراوان داشته است.

سابقه هنر موسیقی در دوره ساسانیان به سند بسیار باارزشی که از آن زمان باقی مانده به نام رساله کوچک (خسرو کواتان و ریدک) برمی‌گردد. همچنین ایرانی‌ها نخستین ملتی هستند که برای ثبت آهنگ‌ها به اختراع

خط مخصوص توفیق یافته اند که از جمله آن ها خط (ویس دبیره) بوده است. البته اگر اشارات نوت در آن زمان معمول می بوده است، امروزه می توانستیم از مقام این نغمه ها باخبر شویم. در هر صورت برای ورود و انکشاف یک دوره موسیقی مستقبل در ایران استعداد بالقوه و حافظه تاریخی موجود است و می توانیم باور نماییم که شاه پرده های موسیقی تازه و زنده ایران آینده که احساسات ملی و ادبی ما را در گوشه ها و نغمه های بهتر و زنده تری تعبیر خواهند نمود، تاریخ درازی در پشت سر خواهند داشت. موسیقی یکی از عوامل مهم تمدن ایران در عصر ساسانیان به شمار می رفته است. در ادبیات فارسی از موسیقی دانان به صورت رامشگر یا خنیاگر یاد شده است. در دوره ساسانیان نیز برای نخستین بار ترانه های عشقی و انتقادی توسط خنیاگران دوره گرد بوجود آمده است. در زمان ساسانیان کر یا دسته بند یک نقش مذهبی به عهده داشته است. خنیاگران دور معبد آتش جمع می شدند و روزی پنج بار گات ها و سروده های مذهبی دیگر را که از اوستا انتخاب می شده است را با آهنگ می خوانده اند. موسیقی ایران به طور مستمر با ادبیات همراه بوده و برخی هم معتقدند که همه شاعران ایرانی موسیقی دان هم بوده اند و هر شعری با موسیقی خودش خلق می شده است.

پیوند تفکیک ناپذیر ساز و سخن در سراسر دوره پیش از اسلام وجود داشته است. این سنت دوره ساسانی در دربارهای بعد از اسلام نیز باقی مانده و شاعر در مجالس ممدوح، برخی از اشعار خود را با صدایی خوش همراه با ساز می خوانده است.

در دوره 428 ساله حکومت ساسانیان تنها در دوران چهار پادشاه، وضع موسیقی و موسیقی دانان دچار تغییراتی عمده شده است. دوره اردشیر پاپکان که رامشگران عنوان صنف پنجم را گرفتند و وزیری مخصوص برای موسیقی تعیین شده است. راهگانی به نقل از عباس مهرین می نویسد: (اردشیر پاپکان، درباریان را به هفت صنف تقسیم کرده بود که از میان آنان رامشگران در صنف پنجم قرار داشته اند). آهنگسازان و موسیقی دانان نیز آهنگ های زیادی به مناسبت شکوه و عظمت بارگاه اردشیر تصنیف کرده اند که (تخت اردشیر) یکی از آن هایی است که ذکر آن در بیشتر متون تاریخی و ادبی آمده است. دوره بهرام گور که مقام و رتبه موسیقی دانان به طبقه اول ارتقاء یافت. بهرام گور ایالت سند و مکران را از پادشاه هند گرفته و دوازده هزار رامشگر را به ایران آورده است. و موسیقی ایران در هفت یا هشت واحد که به آن خسروانیات می گفته اند، تنظیم شده است. در زمان او مردم نیمی از روز را به انجام کار سخت مشغول بوده اند و نیم دیگر را به دستور بهرام به رامش و شادی می گذرانده اند. اما در دوره انوشیروان که مقام موسیقی دانان تنزل پیدا کرده است و در نهایت پیدایش نواغ موسیقی در عصر خسرو پرویز نتیجه مستقیم تشویق های او در امر موسیقی بوده است. عصر او، دوران شکوه نواغ موسیقی همچون باربد و نکیسا بوده است. به طوری که موسیقی دانان هم ردیف فرمانداران (ساتراپ ها)، قرار داشته اند. موسیقی ایران اما با دیگر دول همجوار نیز دارای آمیختگی بوده است؛ در این رابطه ارتباط

موسیقی ایران با ارمنستان در نمونه ای از پرده های موسیقی ارمنی به نام (خسروآیین) است که احتمال می رود از نام خسروپرویز آمده باشد.

قابل ذکر است که الحان موسیقی در دوره ساسانیان نیز بسیار بوده که نام هایی از آن ها برجا مانده است که در اغلب کتاب های شعر و ادب موسیقی فارسی و عربی نشانه هایی از این الحان باقی مانده است. از میان این صدو چهل و هشت آهنگ، سی لحن را از باربد می دانند که بعضی از این پرده ها مدت هاست پس از انقراض ساسانیان در دوره های اسلامی متداول و چند آهنگ آن هنوز در ایران معمول است که در میان اسامی این آهنگ ها بعضی نام های پهلوانان و پادشاهان داستان های ایرانی دیده می شود در میان نام های این آهنگ ها، برخی اسامی تحریف شده است و برخی دیگر که دارای کلمات تازی است یادگار دوره اسلامی است که می رساند، آن آهنگ ها در دوره اسلامی نواخته شده است. مانند بوسلیک، عشاق، قفل رومی، حقه کاوس، راج و روح و ناقوسی. با مطالعه الحان موسیقی ساسانیان مشخص می شود که از بین صد و چهل و هشت آهنگ، سی لحن را از باربد می دانند. وی برای هر روز هفته نوایی اختراع کرده بوده است که به نام نواهای خسروانی یا الطریق الملوکیه شهرت داشته و برای هر روز هفته و برای هر روز از سی روز ماه لحنی به نام (سی لحن باربد) ساخته است. نکپسا نیز همطراز باربد بوده است. دستگاه های موسیقی ایران مرکب از هفت خسروانی بوده و ابداع آن ها را به نکپسا نسبت داده اند. یکی از نواهای مشهور وی جامه دران بوده است به معنی نغمه و آهنگ. گویند آن صوت را چنان نواخت که حضار مجلس جامه ها بر تن پاره کرده و مدهوش شده اند بدین سبب به این نام معروف شده است. مسلم است که موسیقی دانان، خوانندگان و نوازندگان در دربار شاهان و شاهزادگان ساسانی منزلتی شایسته داشته اند. چنین برمی آید که بعد از حمله اعراب موزیسین های ایرانی به جنوب شرق ایران و از آنجا به پاکستان و هند فرار کرده اند اکنون هم موسیقی در پاکستان و ارمنستان و هند تحت تأثیر دستگاه های ایرانی قرار دارد. حتی می توان گفت که موسیقی ایرانی موجد موسیقی عرب ها شده است. چراکه بعضی از دستگاه های ایرانی بعد از سقوط ساسانیان نامی عربی به خود می گیرند و به موجودیت خود ادامه می دهند. با زوال دولت ساسانی و انتقال قدرت از تیسفون به بغداد و خلفای راشدین، اموی و عباسی، تماس عرب ها با ایرانیان و بهره گیری از وجود هنرمندان ایرانی، موسیقی در دربار خلفا رونق گرفته و ایران الهام بخش بسیاری از نغمه های موسیقی عرب گردیده است.

منابع و مأخذ:

عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، 1326، ج2، تهران

فرهنگ معین ، 1389، چاپ 13 تهران، چاپ دیبا

- بهرزادی، رقیه، قوم‌های کهن در قفقاز، ماورای قفقاز، بین‌النهرین و هلال حاصلخیز، 1384، چ 2، تهران، نشر نی
- معروفی، موسی، محمد برکشلی، ردیف هفت دستگاه موسیقی ایرانی، (شرح ردیف موسیقی ایران)، 1374، تهران
- نقیسی، سعید، تاریخ تمدن ایران ساسانی، 1383، تهران، چاپ دیبا
- شیبانی، سیمین، 1383، صفی‌الدین و موسیقی خاور زمین از نگاه فامر، کتاب ماه و هنر، بهمن و اسفند 1383، ش 77 و 78
- شریف‌زاده، عبدالمجید، 1381، شاهنامه، پیوند ادبیات، موسیقی و نقاشی، کتاب ماه و هنر، بهمن و اسفند 1381، شماره 53 و 54
- انصاری‌مهابادیان، مرجان، خنیاگری در روزگار ساسانیان، 1389، تهران، چاپ تایماز
- نوری، مجتبی، شیرین محمدلی، دانشنامه ایران‌شناسی، 1382، تهران، چاپ رشدیه تجویدی
- راهگانی، روح‌انگیز، تاریخ موسیقی ایران، 1377، تهران، چاپ پیشرو
- برکشلی، مهدی، موسیقی دوره ساسانی، 1326، انتشارات دانشگاه تهران
- طهماسبی، طغرل، موسیقی در ادبیات، 1380، تهران، چاپ رهام
- تعالبی، ابومنصور، غرراخبارالملوک الفرس، به نقل از جوامع‌الحکایات، تصحیح جعفر شعار، انتشارات دانشگاه رضی، هاشم، گاهشماری و جشن‌های ایران باستان، 1382
- نقیسی، سعید، تاریخ تمدن ایران ساسانی، 1383، تهران، چاپ دیبا
- جنیدی، فریدون، زمینه‌شناخت موسیقی ایرانی، 1361، تهران
- کیانفرزاده، سعید، 1382، راه‌های خسروانی، کتاب ماه و هنر، بهمن و اسفند 1382، شماره 65 و 66
- مراغی، عبدالقادرین غیبی، مقاصدالحان، به اهتمام تقی بینش، 1356، تهران، چ 2
- خالقی، روح‌اله، نظری به موسیقی، 1377، تهران، چ 4
- مشحون، حسن، تاریخ موسیقی ایران، 1373، تهران، چ 1